

تو گل هستی و گل باید بخندد

کتابخانه
موزه
و مرکز
سازمان

○ عنوان کتاب: خواب خوب

○ نویسنده: جواد محقق

○ تصویرگر: ثمینه سروقد

○ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

○ نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱

○ شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

○ تعداد صفحات: ۵۲ صفحه

○ بها: ۹۵۰ تومان

○ عزت‌الله الوندی

سال‌ها پیش وقتی محمود کیانوش، به تبع پیشینیان دست به قلم برد تا برای نوجوانان شعر بنویسد، هنوز مفهوم نوجوانی آن قدر شناخته شده نبود و کسی آن را به رسمیت نمی‌شناخت و در واقع، جوانی مرز میان کودکی و میان‌سالی شمرده می‌شد و در این میان، نوجوان و نوجوانی، به حلقه‌ای گم شده شباهت داشت.

اما با گذشت زمان و شناخت نیازها، فهمیدیم که نوجوانی نیز دورانی است که نباید به سادگی از آن گذشت و یک نوجوان نیازهایی دارد که با نیاز یک کودک یا جوان، کاملاً متفاوت است. نیاز به شعر نیز جزو همین مقوله به شمار می‌آید و شاعران کودک و نوجوان، کوشیدند تا روزنه‌ای به شعر نوجوان بکشایند که چشم‌اندازی تازه داشت و از زبان، تصویر، تخیل و عناصری نو و متناسب با سن نوجوانی برخوردار بود. در این میان، شاعرانی پا به عرصه شعر نوجوان نهادند که تلاش آن‌ها ایجاد ارتباطی عمیق و صمیمی با این گروه سنی بود. جعفر ابراهیمی، ناصر کشاورز، محمدکاظم مزینانی، اسدالله شعبانی، افشین غلام‌جواد محقق و... از آن دسته شاعران هستند که با مفاهیم نوجوانی آشنا شدند و بهره‌مند از خاطراتی که برای کودکان و نوجوانان جذاب است.

جواد محقق نیز چون دیگر شاعران هم‌نسل خود، به سمت شعر نوجوان گرایش پیدا کرد و در آثار او می‌توان ردپای نوجوانی را بیشتر از کودکی یافت. هرچند محقق، در میان شاعرانی که نام بردیم، جزو شاعران کم‌کار به شمار می‌آید، شعر او به سبب داشتن ویژگی‌هایی از جمله سادگی، صمیمیت و... شعری تأثیرگذار است.

در پس بیشتر آثار محقق، چهره آموزگاری را می‌بینیم که سال‌ها غبار گچ‌خورده تا نوجوانانی را پرورش دهد که آینده‌سازان کشورند. چنان که در یکی از شعرهایش می‌گوید: بچه‌های خوب من! / گرچه موی چون شب مرا / - مثل برف کوچه‌های صبحدم / سفید کرده‌اید / غم مبادتان / که با صدای

خنده‌های‌تان دل مرا / خانه امید کرده‌اید. این امید سبز را در یک شعرهای آموزگار سپیدمو درمی‌یابیم.

خواب خوب، تازه‌ترین مجموعه شعر جواد محقق است که از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به بازار کتاب عرضه شده است. در خواب خوب، پانزده شعر برای گروه سنی «د» به چاپ رسیده است. ویرایش این کتاب را نیز جعفر ابراهیمی - دیگر شاعر نوجوانان - برعهده داشته و تصویرگری‌اش را ثمینه سروقد.

آن چه بیش از هر چیز دیگر در این مجموعه شعر جلوه می‌کند، پرداختن شاعر به مفاهیمی از قبیل خاطرات آموزگاری، زیارت، بهار، جنگ، امام، مادر بزرگ، دعا و... است. شاعر در هر یک از پانزده شعری که در مجموعه خواب خوب آورده، یکی از این مفاهیم را برجسته کرده و به آن پرداخته است و همین امر، به مجموعه شعر او تنوع می‌بخشد. هرچند به نظر می‌رسد که برخی از این شعرها، به سبب زمان سرایش، چندان مناسبتی با دیگر شعرها نداشته باشند.

مثلاً در شعر پیک بیداری، شاعر با این مصراع آغاز می‌کند: بچه‌ها! ما همه یتیم شدیم... و در ادامه، به توصیف ویژگی‌های پدري می‌پردازد که: ... مهربانی را / چمن درختی به باغ جان می‌کاشت / آن که در دست‌های پرمهرش / سبزی سبب سرخ ایمان داشت. و مخاطب تا سطر آخر این شعر شش‌بندی، نمی‌تواند تشخیص بدهد که مقصود شاعر چه کسی بوده است. شاید اگر در تصویرگری، عنصری راهنما به کار می‌رفت، مشکل حل بود، اما در عین حال، به نظر می‌رسد که این شعر کمی دیر و ناهماهنگ با دیگر شعرهای این مجموعه به چاپ رسیده است. ضمن آن که اعتقاد دارم اگر شاعر به کلیات کم‌تر اهمیت می‌داد، می‌توانست مفهومی امروزی‌تر به شعر پیک بیداری ببخشد.

این کلی‌نگری درباره شعر «شهر من!» نیز صدق می‌کند و در تمام شعر، تصویری جزئی که کنجکاو می‌مخاطب را برانگیزد، یافت نمی‌شود.

اما نکته‌ای که در تمام شعرها بلااستثنا دیده می‌شود، صمیمیت و سادگی زبانی است که در آغاز هم به آن اشاره شد و حکایت از آن دارد که آموزگاری دلسوز، برای دانش‌آموزانش سخن می‌گوید. محقق با دید یک معلم به دنیا نگاه می‌کند و در سراسر کتاب، ما حرف‌های آموزگاری را می‌شنویم که ضمن درس دادن، نکته‌های زندگی را نیز به ما می‌آموزد. ما خاطرات، نصیحت‌ها، شکوه‌ها و قهرمانی‌های یک معلم را از خلال این شعرها درمی‌یابیم که در بعضی موارد، خیلی صریح و آشکار به نظر می‌رسد. باید دعا کرد مردم / با هم صمیمی بمانند / حرف از صداقت بگویند / شعر محبت بخوانند...

حتی در شعر «بهاری دیگر» که شور و شوق یک دانش‌آموز از تعطیلات تابستانی خسته شده، به تصویر کشیده می‌شود، ما حسرت آموزگاری را می‌بینیم که دلش می‌خواهد دوباره روی نیم‌کت و پشت میزی بنشیند که سرشار از اشتیاق نوجوانی است: بعد از این - هرچند پاییز آمده - / مدرسه! باغ بهاری دیگری / آمدم تا گل کنم در دامت / ای که از خورشید و باران بهتری.

و خوب پیداست که شاعر، هرچند خود را در فصل پاییز می‌بیند، بازگشت به مدرسه را بهاری دیگر قلمداد می‌کند.

در شعر «معلم امید» نیز شاعر از آموزگاری سخن می‌گوید که در خاطرات اوست؛ معلمی که امید را در دل شاعر و هم‌کلاسی‌هایش زنده کرده و گفته است: هان! مبادتان که بی‌امید سر کنید / آدمی همیشه با امید زنده است / گرچه دام و دانه در ره شماس / آسمان هنوز هم پر از پرند است.

و در آخر، به مخاطب این نوید را می‌دهد که اگر امید داشته باشی، چون من به پای قلعه‌ها خواهی رسید: سال‌ها از آن زمان گذشته است / من هنوز هم پر از امید مانده‌ام / با تمام رنج‌ها که دیده‌ام / خویش را به پای قلعه‌ها کشانده‌ام.

درباره زبان مجموعه شعر خواب خوب، شواهدی

در پس بیشتر آثار محقق،

چهره آموزگاری را می بینیم که سال ها غبار گچ خورده تا نوجوانانی را پرورش دهد که آینده سازان کشورند

محقق با دید یک معلم به دنیا نگاه می کند و در سراسر کتاب،
ما حرف های آموزگاری را می شنویم که ضمن درس دادن،
نکته های زندگی را نیز به ما می آموزد. ما خاطرات، نصیحت ها،
شکوه ها و قهرمانی های یک معلم را از خلال این شعرها درمی یابیم که
در بعضی موارد، خیلی صریح و آشکار به نظر می رسد



کوچه می پیوند.

در شعر «باید دعا کرد» نیز استفاده از صنعت تشخیص، به شاعر کمک کرده تا راحت تر و بهتر به مقصودش برسد: باید دعا کرد فردا / خورشید بهتر بتابد / تا آن که یک سفره حتی / در حسرت نان نخواهد.

در شعرهای «شاعر شهر شالی» و «یاد روشن» نیز که بازگویی خاطرات شاعر است فضاهایی زیبایی وجود دارد که می تواند برای نوجوانان جذاب باشد. اما در یکی دو جا احساس می شود شاعر دچار ضعف در تألیف شده است. در شعر شاعر شهر شالی: یاد داری شبی را که گفتیم: / «چشم تورنگ دریا ندارد!!» گفتی: «آن جا که جنگل نشیند / رنگ دریا که معنا ندارد.»

علاوه بر نکاتی که درباره مسائل فنی شعر بیان شد، یادآوری نکته ای نیز در مورد ویرایش لازم به نظر می رسد. در این کتاب، خوشبختانه اشتباه در حروفچینی وجود ندارد، مگر در سه مورد: اولی در شعر «بیک بیداری» است که به جای «به»، «یه»

حروفچینی شده و دیگری در بند پنجم شعر «زمستان آن سال» که اشکال وزنی فاحشی را در شعر پدید آورده است و تنها می توان آن را به حروفچین نسبت داد چرا که هم شاعر و هم ویراستار ممکن نیست چنین اشتباهی را مرتکب شوند. و آن گرگ وحشی تنش را / برداشت و به جایی دگر برد / شعر بر وزن متفعلن فاعلاتن سروده شده بنابراین، و «به» که زیر آن خط کشیده ایم، کاملاً اضافی است. در آخرین مورد نیز حروفچین، «چشمه ای زلال» را «چشم های

زلال» تایپ کرده است: درس را چنان که چشمه ای زلال / در کویر ذهن مان روانه کرد.

این گونه اشکالات معمولاً عادی است، اما واقعیت آن است که نباید وجود داشته باشد و به نظر می رسد که از دید ویراستار نیز پنهان مانده است.

در هر حال، مجموعه شعر خواب خوب، مجموعه ای خواندنی و تأثیرگذار است و امیدوارم در آینده شاهد کارهای تازه تری از شاعر ارجمند جواد محقق - که حق استادی بر ما دارد - باشیم.

صمیمیت شعر را کم کرده است، اما نکته ای که گفتن آن ضرورت زیادی دارد، ارائه تصاویری زیبا و گاه ناب در یکی دو شعر مجموعه خواب خوب است. در شعری که نام آن برای کتاب انتخاب شده، روایی پسری را می بینیم که به روستایی سرسبز بازگشته است و «یک از بزغاله ها و بره ها را» چوپانی می کند و در این میان، دسته ای کبوتر چاهی می بیند و گله ای اسب قهوه ای.

پرواز بلدرچین ها، باغ گیلاس و خرگوش ها تصاویری است که هم صمیمیت شعر را بیشتر می کند و هم امکان ارتباط با آن را. نوجوان امروز (احتمالاً) به دیدن، خواندن و تجربه کردن این فضاها به شدت نیاز دارد؛ چرا که مدت ها از او دریغ شده است. فضای روستا اصولاً فضایی است که بکر بودن آن مخاطب را به وجد می آورد و دارای خلوتی است که خواننده را به آرامش می رساند.

محقق با ارائه تصویری از پدر بزرگ و مادر بزرگ و گهواره خود که به دست مادر تاب می خورد، بلافاصله وارد فضای شعری می شود که بوی صمیمیت مادر بزرگ را دارد:

دعا می خواند بالای سر من / که بیماری ز جانم رخت بندد / به من می گفت، گریه کار ابراست / تو گل هستی و گل باید بخندد... حنا می بست بر موی سفیدش / و دستش مثل گل، خوش رنگ می شد / اگر می رفت یک شب جای دیگر / تمام زندگی دل تنگ می شد...

حس زیبایی شاعر نسبت به مادر بزرگش، در واژه واژه این شعر تجلی یافته است و آن جا به اوج می رسد که شاعر با استفاده از تصویر حنا بستن مادر بزرگ بر موهای سفید و دستنش، به چشم اندازی تازه دست می یابد.

علاوه بر این شعر، در شعر «قاب غروب» هم شاعر به مکاشفه کودکی دست می یابد که پشت پنجره، غروب را چون پیرمردی خمیده می بیند که در قارقار کلاغ ها از کوچه عبور می کند و به شب سیاه

دوگانه وجود دارد. زبان شعری محقق، با آن که پر از سادگی و صمیمیت است و سرشار از واژه هایی آشنا، در برخی شعرها و مصراع ها ناهمگون و دارای لغزش به نظر می رسد. شاید یکی از دلایل این ناهمگونی، چشم پوشی شاعر از ظرافت های شعری، به ضرورت وزن و قافیه باشد. این مشکل، البته در شعر شاعران دیگر هم دیده می شود و در واقع، باید گفت که متاسفانه، وسواس زبانی مقوله ای است که کم تر به آن پرداخته می شود و هنوز معضلی به نام «شکستگی واژه» به ضرورت وزن، در شعر نوجوان و حتی شعر کودک، دیده می شود. استفاده از «ره» به جای «راه»، «گه» به جای «گاه»، «نگه» به جای «نگاه»، «گر» به جای «اگر»، «ز» به جای «از» و... و ویژگی آموزشی بودن را از شعر گرفته است و بارها دیده می شود که شاعران، حتی به ضرورت وزن، برخی نکات دستوری را نیز نادیده می گیرند.

مثلاً وزن فاعلات فاعلات فاعلات که شاعر، مجموعه را با آن آغاز کرده، به میانه رسانده و به پایان برده است، وزنی است که واژه هایی محدود را به شاعر تحمیل می کند و علاوه بر آن، چنان دشوار است که شاعر ناگزیر می شود در برخی مصراع ها، از برخی ظرایف چشم پوشی کند. در حالی که به نظر می رسد امروز دیگر روزگار غلبه بر وزن است و البته محقق در شعر آغازین مجموعه خواب خوب، به خوبی از پس وزن برآمده و با وجود محدودیت های واژگانی، توانسته است تصاویر و واژه هایی مناسب را در آن بگنجاند؛ هر چند دوگانگی زبان، در یکی دو مصراع، دست و پای شعر را بسته است: شعرهای من به یادتان / عکس های یادگاری است / ... / غم مبادتان / می روید اگر ز پیش من...

در مورد نخست منظور شاعر آن بوده که شعرهای من در یاد و خاطره ای شما، مانند عکس های یادگاری است، اما وزن این نارسایی را به شعر تحمیل کرده است. مصراع دوم نیز کمی با مصراع های دیگر ناهماهنگ است و استفاده از «ز» به جای «از»